

چگونه تاریخ را با طالبان تکرار نکنیم

به قلم دیوید پولاک (/fa/experts/dywyd-pwlak-0/)

۲۹ سپتامبر ۲۰۲۱

همچنین دست‌یافتنی به

(English (/policy-analysis/how-not-repeat-my-history-taliban

Also published in Newslooks

درباره نویسنده



دیوید پولاک (/fa/experts/dywyd-pwlak-0/)

دیوید پولاک هموند برنستاین و مدیر «پروژه فکر» در انستیتو واشنگتن است. وی در گذشته به عنوان مشاور ارشد وزارت خارجه ایالات متحده در بخش خاورمیانه بزرگ با تمرکز بر حقوق زنان و به عنوان کارشناس منطقه‌ای «ستاد برنامه‌ریزی سیاسی» وزیر خارجه فعالیت داشته است.



مقاله‌ها و دیدگاه‌ها

دیوید پولاک هموند برنستاین در انستیتو واشنگتن است و مطالعاتش متمرکز بر تحرکات سیاسی منطقه‌ای و مسائل مرتبط با آن است.

برای اجتناب از بدترین پیامدها واشنگتن باید هر گونه معامله با رهبری جدید افغانستان را با احتیاط پیش ببرد. به همکاری موثر با قدرت‌های جهانی دیگر پردازد و به مخاطبان داخلی توضیح دهد که چگونه خروج از افغانستان باعث تسهیل تمرکز بر اولویت‌های دیگر می‌شود.

تسخیر مجدد کابل به دست طالبان برای بسیاری از افغان‌ها یک ضایعه روحی است اما باید قبول کرد که برای دیگران این یک پیروزی است. هر کدام از نیروهای رقیب آن جامعه در حال از سر گذراندن چیزی شبیه تکرار تاریخ است. از دیدگاه شخصی من هرچند خوشبختانه از صحنه دورم این اتفاق به معنی تجربه دوباره یک کابوس حرفه‌ای است که آغاز آن در اوایل ماه می ۲۰۰۱ بود.

در آن زمان من که به عنوان کارشناس منطقه‌ای در ستاد برنامه‌ریزی سیاست‌های وزارت خارجه آمریکا کار می‌کردم طالبان را از بدو ورودشان به کابل [در ۱۹۹۶] زیر نظر داشتم و گزارشی رسمی هم به وزیر امور خارجه در مورد آنها نوشتم. جمله آغازین این نامه (که بعداً به شکل غیرمحرمانه در ارزیابی عملکرد رسمی من ذکر شد) به این شرح است: «آمریکا دیگر نمی‌تواند با حمایت طالبان از تروریسم کنار بیاید.» در آن ارزیابی از هشدار «فوق‌العاده پیشگویانه» و پیشنهادهای من برای اقدامات فوری پیشگیرانه ستایش شد. اما البته دیگر دیر شده بود چرا که حادثه ۱۱ سپتامبر قبلاً اتفاق افتاده بود.

پس از آن به مدت پنج سال به عنوان مشاور ارشد امور خاورمیانه بزرگ در «دفتر امور بین‌المللی زنان» وزارت خارجه خدمت کردم و در راه اندازی طرح‌های ابتکاری مانند شورای زنان آمریکا و افغانستان جایزه بین‌المللی وزیر خارجه برای زنان شجاع و برنامه‌های مربوط به کارآموزی حرفه‌ای زنان و دختران افغان مشارکت داشتم. در تمام این مدت باید با چشم باز مراقب طالبان و دیگر مخالفان این تحولات اجتماعی می‌بودم. راستش را بخواهید تحقیقات معتبر نشان می‌دهد که بسیاری از افغان‌ها هنوز شیوه‌های زندگی زنان غربی را ناپسند می‌دانند.

با این حال چنین پروژه‌هایی با وجود همه ولخرجی‌ها فساد مالی سوء تفاهم‌های فرهنگی و عدم محبوبیت فزاینده -هم در آمریکا و هم در افغانستان- که تجربه کلی آمریکا در آن کشور را رقم زد اقدامات موثری بود. منطق استراتژیک ضعیف ما برای خروج از افغانستان هر چه باشد تماشای آن همه پیشرفت که اکنون دود می‌شود و به هوا می‌رود بسی دردناک است. اما دوباره باید گفت که دیر شده و تاسف خوردن از بابت این عمل انجام شده بی‌فایده است.

بنابراین حال که طالبان بار دیگر به قدرت رسیده آیا آن حوادث تراژیک دوباره تکرار خواهد شد ما نمی‌توانیم با قاطعیت در این مورد نظر دهیم بنابراین نباید وقت زیادی را صرف پیش‌بینی‌های بی‌هوده کنیم. اما می‌دانیم که این امر اجتناب‌ناپذیر نیست و دوباره باید گفت پیامدهای این خروج حداقل تا حدی به اقدامات بعدی ما بستگی دارد. در چنین حال و هوایی و با در نظر گرفتن تمام تغییراتی که تا امروز صورت گرفته من هفت درس را که از فصول قبلی آموخته‌ام اینجا ارائه می‌کنم:

۱- از تلاش برای یافتن طالبان «میانرو» دست بردارید. چنین طالبی وجود ندارد. هرچند بین اعضای طالبان تفاوت‌های مصلحتی هست. من طی ده سال پس از بار اولی که طالبان کابل را تصرف کرد در بسیاری از بحث‌ها و جلسات داخلی مربوط به این موضوع شرکت کرده‌ام که همه آنها فقط نتیجه گیری تلخ مرا تأیید می‌کرد. امروز شواهد چندان نمی‌بینم که نشان دهد وضع بهتر شده است. گنجاندن احتمالی چهره‌های غیرطالبانی در دولت جدید افغانستان -حتی حامد کرزی رئیس جمهور سابق یا عبدالله عبدالله رئیس شورای عالی مصالحه ملی- هم قریب به یقین این واقعیت را تغییر اساسی نخواهد داد. با این حال اختلافات مصلحتی در میان نیروهای طالبان پنجره‌ای برای چانه‌زنی فراهم می‌کند که موضوع پیشنهاد بعدی است.

۲- با طالبان توافق کنید اما مشروط به اینکه آماده باشید اجرای مفاد توافق را از آنها طلب کنید. اعتبار طالبان در مذاکره با غرب مادامی که فکر کنند می‌توانند از زیر بار کشتارها فرار کنند تقریباً صفر است. در مورد حمایت طالبان از تروریسم فراموزی یا مدارا در برابر آن -موضوعی که آنها در حال حاضر مصرانه آن را رد می‌کنند- منطقی این است که هشدارهای خصوصی بسیار صریح و مشخصی در مورد عزم آمریکا برای اقدام محکم پیشدستانه یا (در صورتی که موثر نیفتاد) مجازات فوری هر گونه نقض توافق برای آنها ارسال شود. و ضروری است که در صورت نیاز به آن هشدارها عمل کنیم.

دو یا سه حمله اخیر آمریکا علیه تروریست‌های داعش شاخه خراسان بعد از بمب‌گذاری‌های انتحاری وحشتناک فرودگاه کابل نقطه شروع بود. اما این کار باید یک کارزار مداوم باشد نه فقط چند عملیات مقطعی. این حملات باید از وارد آمدن آسیب به غیرنظامیان پرهیز کند که کار بسیار دشواری است. علاوه بر این باید علیه القاعده هم عمل کرد نه فقط علیه داعش خراسان که رقیب طالبان است. البته اگر بتوان این کار را با هماهنگی طالبان انجام داد خیلی هم خوب است به شرط این که بر اساس اصل «اعتماد نکنید راستی آزمایی کنید» عمل شود.

بیانیه اخیر ذبیح الله مجاهد سخنگوی ارشد طالبان در دوحه که بار دیگر منکر هرگونه «مدرک» ارتباط بن لادن با حادثه ۱۱ سپتامبر شد نشانه بدی در این زمینه است. با این حال در بسیاری از کشورهای دیگر که اکثریت مردم آن مسلمان اند به دلیل حوادث تروریستی که قربانیان انبوهی در شهرهای آنها به جا گذاشته هم افکار عمومی و هم سیاست دولت‌ها به شدت به ضدیت با افراطی‌ترین گروه‌های جهادی گرایش پیدا کرده است. شاید طالبان نیز در نهایت همین راه را دنبال کند.

۳- از پول به عنوان اهرم فشار استفاده کنید. رئیس جمهور باید علناً اشاره کرد به این که دسترسی طالبان به ذخایر ارزی مسدودشده افغانستان یا کمک‌های مالی بین المللی منوط به نحوه رفتار آنها با شهروندان این کشور از جمله زنان است. این سیاست به انجام دانش می‌آورد. یکی از مقامات طالبان اخیراً اعلام کرد که این بار زنان و دختران افغان اجازه کار و تحصیل خواهند داشت اما کلاس‌های آنها و محیط کارشان از مردان و پسران جدا خواهد بود. استدلال ایده آلیست‌ها این است که طالبان باید تحریم شوند نه اینکه به آنها رشوه بدهیم. اما این سیاست قبلاً هرگز در مورد آنها کار نکرده است.

مطمئناً طالبان اهمیت چندان برای توسعه اقتصادی قائل نیست و آنها درآمدهای دیگری نیز از طریق تجارت مواد مخدر و کارهای خلاف مشابه دارند. با این حال آنها احتمالاً دنبال پول بیشتری و ممکن است بخواهند برای به دست آوردن آن چانه بزنند. روش اساسی این است که سخت بگیرید و به جای این که کل دارایی را یکباره به آنها واگذار کنید (یا از آنها دریغ کنید) چانه‌زنی را افزایش انجام دهید. هرچا طالبان به تعهدات خود در این چانه‌زنی عمل نکرد پول دادن به آنها را همان جا متوقف کنید.

۴- برای مهار طالبان و گروه‌های نزدیک به آنها با دیگران -اعم از دوست و دشمن- همکاری کنید. ما منافع مشترکی با روسیه چین و حتی ایران در مقابله با تهدیدات احتمالی تروریستی از سوی افغانستان داریم. در گذشته هم به طور ادواری با هر یک از این کشورها بدون کنار گذاشتن اختلافات مان در مورد مسائل دیگر به طور نسبتاً موفقیت‌آمیزی همکاری کرده‌ایم. لذا باید حداقل تلاش خود را بکنیم تا دوباره به این زمینه‌های مشترک برای همکاری دست یابیم. هرچند این کشورها آشکارا از «شکست» آمریکا در افغانستان ابزار شادی کنند.

۵- در عین حال آمریکا باید تلاش کند تا به متحدان و شرکای ما در سراسر خاور نزدیک/جنوب آسیا و کشورهای دورتر اطمینان دهد که ما به حمایت از تلاش‌های مشترک علیه تروریست‌ها به نفع دوستان خود ادامه خواهیم داد. یعنی باید مقاصد خود را از حضور خیلی محدود اما حیاتی مشاوران نظامی در عراق سوریه عربستان سعودی و دیگر کشورهای منطقه روشن سازیم.

به عبارت دیگر نباید افغانستان‌های دیگری در افق وجود داشته باشد. مقامات ارشد آمریکایی قبلاً این پیام را به دولت عراق و نیروهای دموکراتیک سوریه منتقل کرده‌اند اما پیام‌ها دیگر به تنهایی کافی نخواهد بود بلکه به یک تعهد جدی و مستمر در این زمینه نیاز است.

۶- در مورد خروج آمریکا از افغانستان توضیح دهید که این خروج به ما کمک می‌کند تا بر مسائل مهم‌تری مثل «رقابت با قدرت‌های بزرگ» مثل چین یا روسیه متمرکز شویم. ما بحث‌های مبهم و کلی زیادی در این مورد شنیده‌ایم اما جزئیات آن بسیار اندک است. این جزئیات باید فراهم شود و سپس در عمل هم اثبات شود. در غیر آن این قسمت از بحث فاقد منطق واقعی و صرفاً توجیهی برای خروج آمریکا خواهد بود و به شک و تردیدهای سیاسی داخلی در آمریکا دامن می‌زند. این ما را به توصیه نهایی می‌رساند:

۷- با دیگران برای رسیدن به برخی زمینه‌های مشترک در داخل آمریکا همکاری کنید. ایجاد این همکاری ممکن است سخت‌ترین کار باشد اما حیاتی است. بازی‌های حزبی یا بوروکراتیک برای مقصریابی در مورد افغانستان باید تا حد ممکن برای مدتی به حاشیه رانده شود. همانطور که در مورد روایت خود من از طالبان این گونه شد. تنها در این صورت است که بیستمین سالگرد یازده سپتامبر که در پیش است به جای ملامتگری بی‌پایان و بیهوده به فرصتی برای تجدید عزم آمریکا تبدیل خواهد شد.



RECOMMENDED



BRIEF ANALYSIS

[Iran Takes Next Steps on Rocket Technology](#)

فوریه ۲۰۲۲ ۱۱

Farzin Nadimi

[\(/policy-analysis/iran-takes-next-steps-rocket-technology\)](#)



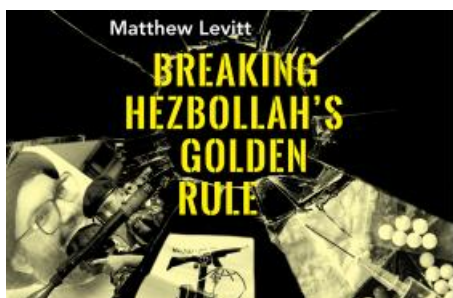
BRIEF ANALYSIS

[Saudi Arabia Adjusts Its History, Diminishing the Role of Wahhabism](#)

فوریه ۲۰۲۲ ۱۱

Simon Henderson

(/policy-analysis/saudi-arabia-adjusts-its-history-diminishing-role-wahhabism)



ARTICLES & TESTIMONY

Podcast: Breaking Hezbollah's Golden Rule

فوریه ۲۰۲۲



Matthew Levitt

(/policy-analysis/podcast-breaking-hezbollahs-golden-rule)

TOPICS

(/policy-analysis/trwrysm/) تروریسم

(/policy-analysis/rb-w-aslam-syasy/) عرب و اسلام سیاسی

(/policy-analysis/syast-amryka/) سیاست آمریکا

REGIONS & COUNTRIES

(/policy-analysis/swryh/) سوریه

(/policy-analysis/khawrmyanh/) خاورمیانه

(/policy-analysis/raq/) عراق